



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د مولانا سعید افغانی د سولې او تفاهم، نشراتي ارگان

www.said-afghani.org

آزاده، ټولنيزه، علمي، فرهنگي او نشراتي ارگان



Dr.Said Afghani

د مولانا سعید افغانی : آزاده ، ټولنيزه، علمي ، فرهنگي او نشراتي ارگان ته ښه راغلاست !

## مولانا داکتر محمد سعید « سعید افغانی »

تاریخ نشر: 4 اکتوبر 2022 میلادی

# شپوه عرفان خواجه عبدالله « انصاری » بخش اول

عرفان علمی است که به سبب آن ریاضت قلب و مجاهدت نفس شناخته می شود ، به گونه ای که در انسان ذوق های مخصوصی حاصل می شود و مشاهداتی به وقوع می پیوندد .

در این مشاهدات و ذوق های مخصوص ، حقایق کشف می شود و دقایق شناخته می شود و انسان پروردگارش را با معرفت یقینی می شناسد که از هیچ سوئی شک بر آن وارد نشود. این چنین معرفتی مشعر است به سعادت که هیچ سعادت دیگری با آن معادل شده نمی تواند ، سعادت حسیه باشد یا عقلیه .

گویند : وقتی عدد عارف نماها زیاد شد ، آنان از اعتدال بیرون شدند . باطیل و خرافات و بدعت ها را زیاد کردند . شیوخ محقق از اهل عرفان به تبلیغ و بیان و تالیف برخاستند تا مردم را از گمراهی نجات دهند و به مسیر حق هدایت کنند.

این حرکت از شیخ جنید رحمة الله از بغداد آغاز شد ، و ابو نصر سراج و شاگرد او ابو عبدالرحمان سلمی و شاگرد او عبدالکریم « قشیری » و آنگاه شیخ الاسلام عبدالله « انصاری » در خراسان وی را تأیید کردند .

مسلم است که خواجه عبدالله « انصاری » عرفان خود را از کتاب و سنت و آثار سلف صالح اخذ کرده و آن را از خرافات و بدعت پاک کرده و بر جان خود تطبیق کرده است.

انگاه برای شاگردان و مریدان خود به خوبی تلقین کرده است، چون عرفان در عصر او وسیله ای شده بود برای استثمار و خرافات زیادی در آن جای گرفته بود. وی برای تجدید آن برخاست و عرفان را به آداب ظاهری و آداب باطنی تقسیم کرد:

## ۱- آداب ظاهری عرفان نزد خواجه عبدالله « انصاری » :

خواجه عبدالله « انصاری » برای شاگردان و مریدان خود در این باب رساله ای به زبان دری املا کرده است ، به نام مختصر در آداب صوفیه و روندگان راه حق در آن مطلب آتی آمده است:

شیخ الامام ابو اسماعیل خواجه عبدالله « انصاری » می گوید : بدان که عرفان عبارت است از چهار امر: « صفا ، وفا ، فنا ، بقاء » است.

سهل تستری گوید : عرفان ، صفا از تیرگی ها و پر بودن از فکر و بریدن به سوی خدای تعالی است از خلق .

انگاه شیخ الاسلام گفته است:

بدان که اهل عرفان را آداب زیادی است در نشستن و برخاستن ، خوابیدن ، پوشیدن لباس ، خوردن ، آشامیدن ، خواندن ، گوش دادن و در حضر و سفر، بلکه در همه حالات.

بنابر این هر کس خرقه را دربر می کند و خود را به هیئت عرفا در می آورد ، لازم است که آداب آنها را بداند و بدان عمل کند ، تا ظاهر خود را به برکت رعایت آداب ظاهری عرفان زینت داده باشد . انگاه باطن خود را به حقیقت عرفان آرایش دهد .

چنانچه گفته اند : کسی که ظاهر نمکین دارد ، باطن صحیح دارد.

پس بر سالک لازم است که آداب ظاهری را رعایت کند ، تا باطن او به رنگهای حقیقت کامل گردد ؛ چه ، اثر باطن در ظاهر تجلی می کند و ظاهر دلیل است بر باطن ، آنچنان که دود دلیل است بر آتش ، و غبار دلیل است بر هوا ، و شاگرد از استاد خود روایت می کند . انگاه آداب ظاهری را به هفت نوع تقسیم کرده است:

### پایان بخش اول

\*\*\*

داکتر محمد سعید « سعید افغانی »

پوهنتون الازهر شریف - قاهره

سال ۱۹۶۸ میلادی ، مطابق ۱۳۴۷ هجری شمسی

تهیه و ترتیب کننده : برهان الدین « سعیدی »

[www.said-afghani.org](http://www.said-afghani.org) - بازگشت به صفحه اصلی